

لائیسیته یا سکولاریسم: منوچهر صالحی

منوچهر صالحی

لائیسیته یا سکولاریسم؟

تازه‌ترین نوشته آقای رامین کامران را که با عنوان «نقطه در مبارزه» در سایت «ایران لیبرال»^[1] انتشار یافت، خواندم و با این حال نفهمیدم که تفاوت سکولاریسم^[2] و لائیسیته^[3] چیست، زیرا در نوشته ایشان هر چند «مفهوم لائیسیته» از مفهوم «سکولاریسم» پیشی گرفته و می‌رود تا همه جا گیر شود، اما از یکسو به تفاوت این دو مفهوم پی نبردم و از سوی دیگر نفهمیدم ایشان از کجا و بر اساس کدام آمار و ارقام به چنین «حقیقتی» دست یافته‌اند.

برای آن که بفرنج را بشکافیم، در این نوشته می‌کوشم نشان دهم که میان این دو مفهوم تفاوت چندانی وجود ندارد، یعنی کشورهائی که در قوانین اساسی خویش دولت خود را «لائیک» نامیده‌اند، پیشرفت‌تر از دیگر کشورهائی نیستند که در قوانین اساسی خویش دولت خود را «سکولار» می‌نامند و در همین رابطه آلترباتیو رژیم ولایت فقیه می‌تواند دولت «سکولار دمکراتیک» و یا دولت «دموکراتیک لائیک» باشد.

یکم یادآوری این نکته مهم است که لائیسیته واژه‌ای است یونانی و در عوض واژه سکولار ریشه لاتینی دارد. از آنجا که در دوران باستان فقط موبدان و کاتبان دین و دیرانی که در دیوان دولتی کار می‌کردند، خواندن و نوشتمن را فراگرفته بودند و اکثریت نزدیک به مطلق جامعه بیسوارد بود، در نتیجه در یونان باستان بیسواران را «لایه»^[4] می‌نامیدند که به معنای شخص غیرمتخصص است. در زبان آلمانی هنوز نیز این واژه به همین معنی و مضمون به کار گرفته می‌شود، یعنی کسی که در یک حوزه علمی و یا کارکردی تخصصی ندارد، «لایه» نامیده می‌شود. با گسترش مسیحیت در اروپا و به ویژه در یونان باستان، از آنجا که بیشتر مدارس در اختیار کلیساها مسیحی بود، بنا براین یونانیان هر کسی را که کشیش نبود، «لایه» می‌نامیدند.

دوم آن که واژه «لائیسیته» برای نخستین بار در سال ۱۸۷۱ توسط فردیناند بیسون^[5] که آموزگار بود و سپس به خاطر خدمات گرانبهایش در سال ۱۹۲۷ برنده جایزه صلح نوبل گشت، در فرانسه به کار گرفته

شد. تا آن زمان بیشتر مدارس در اختیار کلیسا کاتولیک قرار داشتند و با آن که نزدیک به ۸۰ سال از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه گذشته بود، هنوز در مدارس دولتی اصول دین تدریس نمی‌شد. به همین دلیل بیسون خواهان تأسیس مدارسی شد که در آن تعلیمات هیچ دینی تدریس نشود. به عبارت دیگر، مدارسی که او در پی ایجاد آن بود، باید مدارسی فرادینی، یعنی مدارس لائیسیته می‌بودند. از آن به بعد این واژه در زبان فرانسه جا افتاد و پارلمان فرانسه در سال ۱۹۰۵ قانون جدائی کلیسا از دولت را با اکثریت رای بسیار اندکی تصویب کرد. پس از پایان جنگ جهانی دوم، پارلمان فرانسه در سال ۱۹۴۶ قانون اساسی نوینی را تدوین کرد که در آن برای نخستین بار قید شده بود «فرانسه یک جمهوری تجزیه‌ناپذیر، لائیک، دمکراتیک و اجتماعی است.» با این حال میان مفاهیم لائیسیسم و لائیسیته باید توفیر گذاشت، زیرا لائیسیسم مفهوم و مکتبی است که در مبارزه با ایدئولوژی ضد دینی به وجود آمد، اما مفهوم «لائیسیته» در کنار خواست جدائی دین و دولت، خواهان برابری همه ادیانی است که مردم یک کشور پیرو آنند. همچنین بنا بر اصول «لائیسیته» دولت باید به همه ادیان و جهان‌بینی‌های سیاسی احترام بگذارد و هیچ یک از آنها را برتر از دیگران نداند. به عبارت دیگر، دولت لائیک در برابر ایدئولوژی‌های دینی و سیاسی باید بیطرف باشد. نگاهی به تاریخ فرانسه و ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که در فرانسه، احزاب و نیروهای سیاسی با تحقق لائیسیته کوشیدند دولت را از چنبره نفوذ کلیسای کاتولیک رها سازند، در حالی که در ایالات متحده هدف از جدائی کلیسا و دولت آن بود که کلیسا در برابر دولت از استقلال برخوردار گردد.

سوم آن که در حال حاضر فقط در قوانین اساسی ۱۶ کشور جهان می‌توان رد پای دولت لائیک را یافت. این کشورها عبارتند از آذربایجان، آلبانی، اکوادور، اوروگوئه، ترکیه، پرتغال، چک، چین، ژاپن، کره جنوبی، کوزوو، کوبا، فرانسه، قبرس (بخش یونانی نشین)، مکزیک و هندوستان. با این حال «لائیسیته» این دولتها با یکدیگر دارای توفیرهای زیادی است. از این میان ۴ دولت پرتغال، چک، فرانسه و بخش یونانی نشین قبرس عضو اتحادیه اروپا نیز هستند، در حالی که دیگر دولتهای عضو این اتحادیه خود را دولت لائیک نمی‌نامند. با این حال همه این کشورها باید از منشور و میثاق اتحادیه اروپا پیروی کنند و می‌بینیم که میان ارزش‌های دولت لائیک و سکولار در این اتحادیه تفاوت چندانی وجود ندارد. در فرانسه با آن که در قانون ۹ دسامبر ۱۹۰۵ جدائی کامل کلیسا و دولت تدوین شده است، اما در این

کشور تمامی اعیاد مسیحیت تعطیل عمومی است، یعنی حکومت لائیک فرانسه که باید در برابر ادیان بیطرف باشد، برای مسیحیت ارجحیت بیشتری قائل است و در برابر اعیاد و مراسم دینی اسلام از خود حتی واکنشهای نژادپرستانه نشان می‌دهد. همچنین در برخی از ایالت‌های فرانسه به خاطر معاهداتی که از گذشته میان کلیسا‌ی رومی- کاتولیک و حکومت‌های ایالتی بسته شده بود، «لائیسیته» نمی‌تواند به طور کامل پیاده شود. عین همین وضعیت در کشور پرتغال نیز وجود دارد. در ترکیه اما «لائیسیته» به این معنی است که نهادهای دینی باید به طور کامل زیر کنترل نهادهای دولتی باشند. در این کشور همه امامان مساجد ترکیه در دانشگاه‌های دینی وابسته به دولت آموزش می‌بینند و پس از تحصیل کارمند دولت می‌شونند و از صندوق دولت حقوق دریافت می‌کنند و نمی‌توانند علیه سیاست‌های دولت سخنی بگویند. همچون ایران، موضوع و متن سخنرانی امامان مساجد در نماز جمعه‌ها توسط «اداره امور دینی» که نهادی دولتی است، تدوین می‌شود.^[6] همچنین زنانی که در ادارات دولتی کار می‌کنند و یا در مدارس و دانشگاه‌های ترکیه تحصیل می‌کنند، نباید موهای خود را با روسی بپوشانند. با این حال با به قدرت رسیدن رجب اردغان روند ضد لائیسیته در ترکیه شتاب بیشتری یافته است و لائیسیته ترکیه که از همان آغاز پدیده‌ای ضد لائیسیته بوده، از هر گونه محتوى تهی شده است.

چهارم آن که نگاهی به تاریخ اروپا آشکار می‌سازد که تا پیش از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه این اندیشه حاکم بود که دولت مشروعیت خود را از دین می‌گیرد، یعنی پادشاهان دولتهای فئودال اروپا خود را نماینده برگزیده مسیح می‌دانستند و بدون پشتیبانی کلیسا‌ی کاتولیک دولتی مرتد و ضد دین بودند. اما جنگ‌های مذهبی که سی سال شیرازه اروپا را درهم نوردید، سرانجام سبب شد تا دولتهای اروپائی بپذیرند که مسیحیت دارای مذاهب مختلف است و دولتهای اروپائی باید امنیت پیروان همه مذاهب مسیحی را تأمین و تضمین کنند. با پیروزی جنبش استقلال آمریکا که سبب پیدایش ایالات متحده آمریکا گشت و انقلاب کبیر فرانسه که وحدت کلیسا و اشرافیت فئودال را در این کشور نابود ساخت، کلیسا‌ی مسیحیت مجبور شد به تدریج به مشروعیت عرفی دولت سکولار و لائیک تن در دهد، زیرا دولت مدرن که در ایالات متحده اروپا و فرانسه تحقق یافت، مدعی شد که مشروعیت خود را از رأی مردم می‌گیرد و نه از خدا و مسیح.

اینک نیز بیشتر دولتهای غربی هر چند در قوانین اساسی خود با

صراحت مدعی لائیسیته نگشته‌اند، با این حال به گونه‌های مختلف حکومت‌هایی هستند مبتنی بر جدائی دولت از دین و مدعی بیطرفی در برابر نهادهای ادیان مختلف.

البته کلیسا کاتولیک به آسانی تن به پذیرش دولت سکولار و یا لائیک نداد. این کلیسا برای نخستین بار در سال ۱۹۶۵ با برگزاری دومین کنسیل واتیکان پذیرفت که دولت میتواند تا حدی لائیک باشد. در عوض کلیساها ارتدوکس و پروتستان به مثابه ادیان دولتی قادر به پذیرش سکولاریسم و لائیسیته نیستند و فقط با تکیه به انجیل که در آن مسیح یادآور شده است که پیروان او باید از فرامین حکومت‌ها تبعیت کنند، به سکولاریسم و لائیسیته تن در داده و حاضر به پذیرش دولت سکولار دمکراتیک شده‌اند.

اما در ایران چه می‌گذرد؟

تاریخ پیشا اسلام ایران نشان می‌دهد که پادشاهان ایران باستان «خدادشاه» بوده‌اند، یعنی مشروعیت خود را از خدا می‌گرفته‌اند. تئوری «نور ایزدی» که خواجه نظام‌الملک در «سیاست‌نامه» از آن سخن گفته است، آشکار می‌سازد تا زمانی که شاه در جهت عدالت گام بردارد، از پشتیبانی الهی برخوردار است و همین که از این مسیر دور شود، از «نور ایزدی» محروم می‌گردد که سرانجام آن سقوط پادشاه و سلطنت او خواهد بود.

پس از اسلام نیز قدرت سیاسی به دست خلفا افتاد که در آغاز از پیروان نزدیک پیامبر بودند، یعنی از آن پس به وزن و جایگاه دین در دولت افزوده شد و احکام دین به قوانین دولتی بدل گشتند. با پیدایش عباسیان خلافت که دین را نمایندگی می‌کرد، به قدرت استبدادی امپراتوری اسلام بدل شد. با پیدایش حکومت‌های منطقه‌ای، شاهان این مناطق باید مشروعیت خود را از خلیفه اخذ می‌کردند و خود را نماینده خلیفه در سرزمینی که فتح کرده بودند، می‌نمایدند و همچنین بخشی از مالیات‌های خود را باید به خزانه خلیفه میریختند.

با پیروزی مغولان و نابودی خلافت عباسیان دوران هرج و مرح گسترش یافت تا از بطن آن دو نیروی نوین روئیدند. یکی پیدایش دولت عثمانی بود که در دوران مغولان دولتی کوچک بود و پس از آن به دولتی نیرومند بدل گشت و پادشاهان آن خود را خلیفه جهان اسلام نمایدند و به این ترتیب ساختار سیاسی دولت دینی را بازتولید کردند و دیگری دولت صفویه بود که از آغاز پیدایش خویش دولتی دینی

بود و با تبدیل دین شیعه به دین رسمی توانست دولت باستانی ایران را بازسازی کند.

تا پیدایش انقلاب مشروطه کم و بیش این وضعیت وجود داشت. برخلاف فرانسه که طبقه تازه به دوران رسیده بورژوازی موتور انقلاب و دگرگونی‌های اجتماعی و تبدیل دولت پادشاهی مطلقه به دولت جمهوری دمکراتیک بود، انقلاب مشروطه را روشنفکرانی که از «فرنگ» بازگشته بودند، به همراه بازاریان و بخشی از روحانیت توانستند به پیروزی رسانند. انقلاب کبیر فرانسه انقلابی اجتماعی بود، زیرا نه فقط مناسبات سیاسی، بلکه مناسبات تولیدی را نیز دگرگون کرد. اما انقلاب مشروطه انقلابی سیاسی بود و با تحقق قانون اساسی مشروطه کوشید به حکومت استبدادی که بر پایه مشروعیت الهی استوار بود، پایان دهد و حکومت منتخب مردم را جایگزین آن سازد. از آنجا که روحانیت در انقلاب مشروطه نقش تعیین کننده داشت و بازاریان ایران نیز افرادی دین‌باور بودند، به همین دلیل انقلاب مشروطه را باید انقلابی «ناقص» نامید، زیرا نتوانست جدائی دولت از دین را متحقق گردد.

با پادشاهی رضا شاه جدائی دولت از دین تا اندازه زیادی تحقق یافت. بخش بزرگی از روحانیت خانه نشین گشت و بخش نیز دنباله رو حکومت شد. اما با سقوط رضا شاه روحانیت دوباره پا به میدان سیاست نهاد و در آغاز در پیروزی جنبش ملی کردن صنایع نفت از حکومت دکتر مصدق پشتیبانی کرد و پس از آن که آشکار شد مصدق حاضر به پذیرش سلطه دین بر حکومت نیست، به همکاری با کودتاگران پرداخت و با بسیج او باشان توانست در کودتای ۲۸ مرداد نقش آفرین باشد. بازگشت محمدرضا شاه به سلطنت سبب شد تا روحانیت از حقوق ویژه‌ای برخوردار گردد. با این حال بخشی از روحانیت به رهبری آیت‌الله خمینی حاضر به پذیرش «انقلاب سفید» نبود و بر این گمان بود که در نتیجه این آصلاحات دین و روحانیت به حاشیه رانده خواهند شد و در نتیجه به مخالفت با اصلاحات و همچنین قراردادی که حکومت ایران با ایالات متحده بسته بود، پرداخت که بر اساس آن سربازان آمریکائی که در ایران بودند، در صورت ارتکاب جرم نباید در دادگاه‌های ایران محاکمه می‌شدند. آیت‌الله خمینی این قرارداد را «کاپیتولاسیون» نامید. همچنین بنا بر قانون انجمان‌های ایالتی و ولایتی زنان در تعیین نمایندگان این مجالس از حق رأی برخوردار گشته بودند و همچنین نمایندگان نباید حتماً به قرآن سوگند می‌خوردند. به این ترتیب روحانیتی که خواستار شرکت در قدرت سیاسی بود، این قوانین

را مخالف شریعت اسلام نامید و مردم را به شورش دعوت کرد. با رخداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ رهبری جنبش سیاسی ضد پهلوی از دست نیروهای سکولار و لائیک ربوده شد و به دست نیروهای دینگرا افتاد. بنا براین پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ به رهبری خمینی حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی نبود و بلکه استمرار روندی بود که با ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز شده بود. با پیروزی این انقلاب دولت دینی ضد دمکراتیک بر دولت عرفی استبدادی پهلوی چیره شد و استبداد ولایت مطلقه جانشین استبداد پادشاهی پهلوی گشت.

با بررسی این روندهای تاریخی آشکار می‌شود که جامعه ایران جامعه‌ای بسیار محافظه‌کار و دین‌باور است. انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و شورای شهرها آشکار ساخت که اکثریت مردم هر چند آیت‌الله خامنه‌ای را مسئول کاستی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌دانند، اما همچنان از بخش دیگری از روحانیت پیروی می‌کنند. گزینش لیست ۲۰ نفره‌ای که از سوی آیت‌الله رفسنجانی و حجت‌الاسلام خاتمی در رابطه با انتخابات مجلس خبرگان در تهران ارائه شد و ۱۹ تن از آن لیست توسط مردم برگزیده شدند، نشان می‌دهد که مردم در فقدان احزاب سکولار و لائیک، همچنان از رهبران «اصلاح طلب» دین‌باور پیروی می‌کنند. همچنین انتخابات لیست ۲۰ نفره پیشنهادی از سوی حجت‌الاسلام خاتمی برای شورای شهر تهران بار دیگر نشان داد که مردم از خواست «تحريم» رهبران احزاب سکولار و لائیکی که در ایران می‌زیند، پیروی نمی‌کنند.

ادامه استمرار جمهوری ولایت فقیه در ایران سبب شده است تا اندیشه جدائی دولت از دین به تدریج از رشد برخوردار گردد، زیرا فساد مالی و اخلاقی که در این ۴۰ سال در جامعه حاکم شده است، به تدریج برای اکثریت مردم آشکار ساخته است که روحانیت توان اداره یک جامعه مدرن را ندارد. همچنین وجود بیش از ۱۵ میلیون مردمی که در زیر خط فقر می‌زیند، نیروئی است که می‌تواند تمامی ساختارهای سرکوب این حکومت دین‌سالار را نابود سازد. برای پیشبرد مبارزه سرنوشت ساز رهائی ایران از بختک ولایت مطلقه فقیه بهتر است مردم را گرفتار بحث‌های روشنفکر مآبانه دولت لائیسیته و سکولار نکنیم. مهم آن است که جامعه ما گامی در جهت جدائی دولت از دین بردارد. دولت آینده چه سکولار دمکراتیک باشد و چه دمکراتیک لائیک، دولتی خواهد بود مدن
که می‌تواند در تحقق هم‌برا بری مردم ایران نقشی بزرگ بازی کند.^[۱۷]

www.manouchehr-salehi.de

msalehi@t-online.de

پا نوشتها :

[http://wwwiranliberal.com/showright-spalt.php?id=2714 \[1\]](http://wwwiranliberal.com/showright-spalt.php?id=2714)

Säkularismus/ Secularism [\[2\]](#)

Laizität/Laicite [\[3\]](#)

Laie [\[4\]](#)

Ferdinand Buisson [\[5\]](#)

Bekim Agai: „Islam und Kemalismus in der Türkei“, 2004 [\[6\]](#)

[7] برای آگاهی بیشتر از مفهوم و پدیده سکولاریسم بنگرید به کتاب من با عنوان «سکولاریسم و ضد سکولاریسم». این کتاب در سایت من موجود است و میتوان آن را رایگان دانلود کرد.